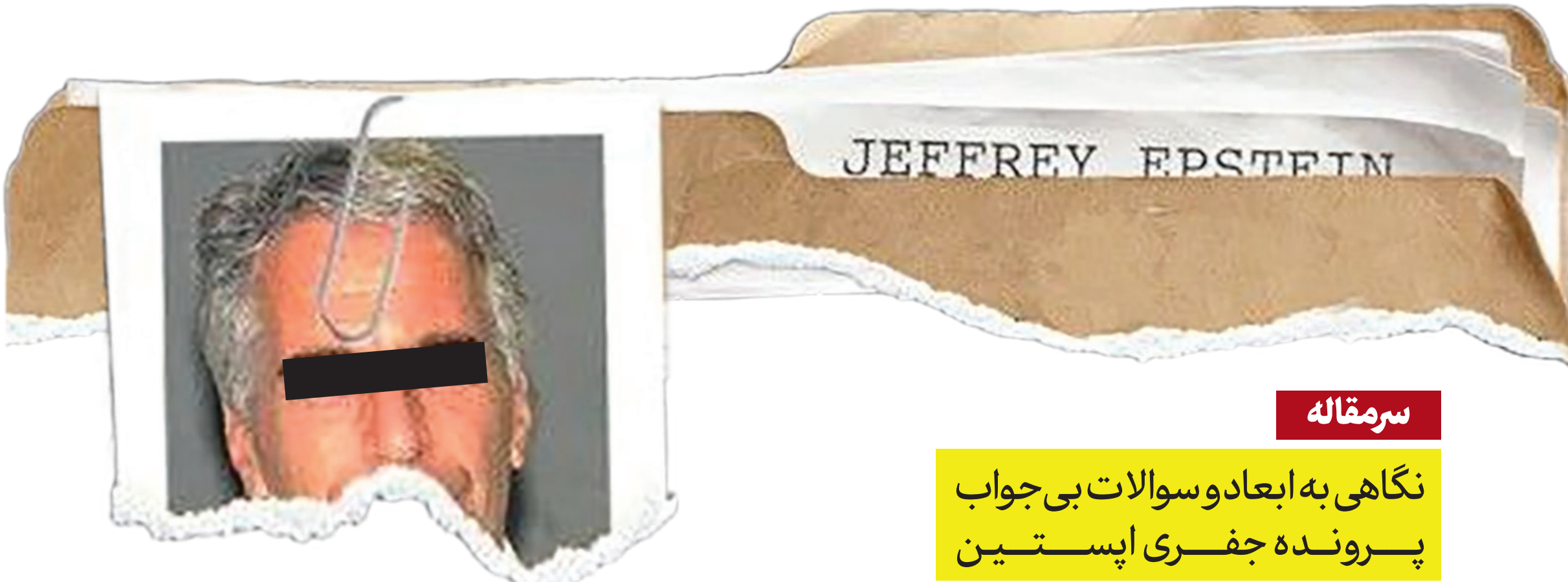




جزیره شیطان و رسوایی بی پایان

reached out to stating was dead and noted she was found with her head "blown off" in Kiefer, OK. Officers on the scene and stated there was no way it was a suicide. Corner stated it was a suicide. later stated committed suicide because had gotten cocaine from a Mexican drug cartel. feels the murder is a cover

و احتمالاً هرگز تمام حقیقت آشکار نگردد اما پیوند فساد اخلاقی و سیاسی در این ماجرا غیرقابل انکار است. آیا جزیره شیطانی اپستین جایی برای آتوگرفتن از چهره‌های سرشناس و گرفتن امتیاز از آنان در بزنگاه‌ها بوده است؟ آیا منطقی است که گمان کنیم پشت تمام این شبکه و ماجرای یک فرد بوده است؟ آیا این تنها مورد از این دست پرونده‌ها بوده و هست؟ میزان سرسپردگی ترامپ به صهیونیست‌ها غیرمعمول و قابل تأمل است.

با توجه به سوابق رژیم اسرائیل و برخی سرخ‌ها، این سرسپردگی با این پرونده ارتباطی دارد؟ و ده‌ها سؤال قابل توجه دیگر که جهانیان شاید به این زودی‌ها پاسخ‌های درستی برای آنها به دست نیاورند.

پایان باید دقت کرد این پرونده در کشور و حاکمیتی در جریان است که خود را کلانتر دنیا می‌داند و با ژست‌های اخلاقی و حقوق بشری برای دیگران باید و نباید تعیین می‌کند! بعید است دنیا در طول تاریخ خود با چنین وضعیتی مضحک و در عین حال مخاطره‌آمیزی روبرو بوده باشد.

آنچه اکنون در مرکز توجهات قرار گرفته تقلا‌ی شدید دولت آمریکا برای پاک کردن رد پای ترامپ از این پرونده کثیف و رسواکننده است. دولت سعی دارد با انتشار گزینشی اسناد و ایجاد جنجال درباره رقبای سیاسی ترامپ- مانند بیل کلینتون- توجهات را از نقش واقعی خود در این ماجرا پاک کند. تلاشی که چندان موفق نبوده و به نظر می‌رسد باعث شکافی جدی در پایگاه اجتماعی حامیان ترامپ شده است.

اما فارغ از این تلاش و نتیجه آن، آنچه مسلّم و غیرقابل کتمان است سقوط اخلاقی آمریکاست. دعوای‌های داخلی امروز آمریکا نیز نه برای کشف حقیقت و اجرای عدالت، بلکه برای رقابت‌های سیاسی است. در حالی که همه به وضوح می‌بینند که داشتن قدرت و ثروت به کسانی این موقعیت را داده که فراتر از قانون باشند و به اصطلاح هر کار می‌خواهند بکنند.

پرونده اپستین کوه یخی است که به نظر می‌رسد تاکنون نوک این کوه نیز نمایان نشده است

اسرارآمیز و شیطانی اپستین اضافه می‌شد در نهایت او اوایل تابستان ۲۰۱۹ به اتهام قاچاق جنسی دستگیر شد و حدود یک ماه بعد خبر دادند که در سلول خود در زندان خودکشی کرده است. حال آنکه او به دلیل حساسیت بسیار بالای موضوع و در میان بودن نام ده‌ها تن از چهره‌های متنفذ و مشهور آمریکا در این پرونده، تحت نظارت بسیار شدیدی بود و افکار عمومی آمریکا هرگز خودکشی وی را باور نکرد و اغلب معتقدند سر اوزیر آب شد تا واقعیت‌های مخوف این پرونده تاریخی و هولناک هرگز فاش نشود.

اما مرگ اپستین پایان ماجرا نبود و افکار عمومی به شدت خواهان روشن شدن ابعاد این پرونده هستند. فشارها چنان بالا گرفت که کنگره با تصویب قانونی یک ماه به دولت مهلت داد تا جزئیات و اسناد آن را منتشر کند و وزارت دادگستری دولت ترامپ نیز به تازگی برخلاف مصوبه کنگره تنها بخشی از اسناد و عکس‌ها را منتشر کرده و حتی بعد از انتشار نیز بخش‌هایی را دوباره حذف کرد.

> ماجرا از سه دهه پیش آغاز شد و یک جزیره. جزیره‌ای که سال‌ها میزبان جمعی از مشهورترین و قدرتمندترین چهره‌های عالم سیاست، ثروت، هنر، فناوری و حتی علمی غرب و به خصوص آمریکا بود. مهمانان با جت‌های اختصاصی به «لیتل سنت جیمز» می‌رفتند تا در آن جزیره خصوصی، دور از چشم مردم، رسانه‌ها و البته قانون، خوش گذرانی‌های غیراخلاقی و گاه شنیع داشته باشند. مالک جزیره جفری اپستین نام داشت و قربانیان این ضیافت‌های شیطانی، دختران نوجوان وزیر سن قانونی بودند که توسط شبکه او قاچاق می‌شدند و به مهمانان سرشناس عرضه. چند باری پای پیگیری قضایی به میان آمد اما به شکل قابل تأملی، اپستین هر بار از مهلکه گریخت و با استفاده از روابط گسترده و عمیقی که با بالاترین سطوح قدرت در آمریکا داشت، توانست ماجرا را لاپوشانی کرده و به اعمال مجرمانه خود ادامه دهد.

در حالی که روز به روز به تعداد قربانیان جزیره

stated she had in fact called the police about what they had talked about. told she had "done good." did not hear from or until 01/10/2000.



پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	بگوید، در هر کجا حاضر شوم و با دشمن صهیونیستی بجنگم. مردم با شما هستند؛ بجنگید، پیروزید. فرمانده کل قوا فرمودند: ما قطعاً پیروزیم. دست تون درد نکنه. مداوم شما رو دعا می‌کنیم. یا علی.	الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر! این صدای ملت ایران است. به پیش رزمندگان ارتش و سپاه، خدا یار شماست. ما ملت پشتیبان شما هستیم. من یک معلم پنجاه و نه ساله هستم، جانباز جنگ. آماده‌ام هر لحظه که رهبرم	سازمان بن‌ساز حزب آزادی
---	---	--	---

عبرت

میراث خونین بن‌گوریون

(۱) > رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸، پس از تصویب طرح تقسیم فلسطین با حمایت بریتانیا و آمریکا، اعلام موجودیت کرد. بن‌گوریون، به عنوان بنیان‌گذار اصلی، دولت را ابزاری برای سازماندهی خشونت می‌دانست و از ابتدا بقای اسرائیل را در گرو زور نظامی تعریف کرد. از نگاه او، جنگ و اسلحه نه تنها ابزار امنیت، بلکه وسیله بازسازی «شخصیت یهودی» و خروج از ضعف تاریخی بود. این نگرش به اشغال سرزمین‌های فلسطینی، آوارگی گسترده مردم، مصادره اموال و وقوع کشتارهای متعدد انجامید. سیاست رسمی اسرائیل بر این اساس شکل گرفت که هیچ توافقی بدون زور ممکن نیست و خشونت، مشروع‌ترین ابزار پیشبرد اهداف است. در این چارچوب، ارتش به هسته اصلی هویت اجتماعی و فرهنگی اسرائیل تبدیل شد و جامعه صهیونیستی به تدریج ماهیتی کاملاً نظامی یافت. بن‌گوریون همچنین به گسترش مرزها فراتر از فلسطین ۱۹۴۸ باور داشت و ایده «اسرائیل بزرگ» را پیگیری می‌کرد. در عین تأکید بر خوداتکایی، او حمایت قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا، را برای بقا ضروری می‌دانست؛ اصلی که به دکترین امنیتی اسرائیل تبدیل شد. میراث بن‌گوریون، خشونت سازمان‌یافته، توسعه‌طلبی و بی‌ثباتی پایدار در منطقه است که آثار آن تا امروز ادامه دارد.

قاب

غواصان خط شکن در کربلای ۴

(۱) > عملیات کربلای ۴ بارمز «محمد رسول الله» در حد فاصل پاسگاه زید در شمال شلمچه تا محل پیوستن کارون به اروند به مدت سه روز انجام شد.



۴ دی ماه سال ۶۵، عملیات کربلای ۴

فرزند ایران

سردار خاموش آسمان

(۱) > پنجم دی ماه ۱۳۵۵، در کوران زمستان، پسری به دنیا آمد که تقدیرش با آسمان گره خورده بود. داوود در خانواده‌ای مذهبی و شهیدپرور قد کشید؛ از همان سال‌های نوجوانی که پایش به دبیرستان سپاه باز شد، مسیرش را انتخاب کرده بود. اهل هیاهو نبود. وقتی حرف از آسمان و دفاع می‌شد، ذهنش تیزتر از هر راداری کار می‌کرد. هوش سرشارش او را به عمق علوم هوافضا برد؛ جایی که امنیت، با معادله و تصمیم‌های لحظه‌ای معنا پیدا می‌کند. ساده‌زیست بود و گمنام. میان اقوام، کسی نمی‌دانست فرمانده پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه است؛ همان که سال‌ها در قلب شهرهای موشکی، از توان بازدارندگی ایران گفته بود. می‌دانست در فهرست ترور است، همیشه می‌گفت: «وقتی سردار حاجی زاده به شهادت رسیدند بدانید من هم بایشان شهید شدم.» در زمایش‌ها، سامانه‌های بومی را به میدان آورد؛ از «(۹ دی)» تا «(سوم خرداد)»، و مقتدر گفت: «(ایران برای دفاع، به بیرون تکیه ندارد.)» سرانجام، در ۲۳ خرداد، حمله‌ی هوایی دشمن صهیونی، همان پایانی که آرزویش بود، برایش رقم زد. پیکر سردار شهید داوود شیخیان، فرمانده پدافند آسمان ایران به خاک سپرده شد، اما نامش در حافظه‌ی آسمان ماند؛ در قطعه‌ی ۴۲ بهشت زهرا، جایی که زمین، فرماندهی پدافندش را در آغوش کشید.